

از گوشه و کنار ایران

انتقام از پزشک معالج در فضای مجازی

بیمار کینه جو وقتی با پزشک معالجش به اختلاف خورد، با ساخت یک صفحه جعلی در فضای مجازی باعث هتک حیثیت وی شد. سرهنگ حسن ابوالحسینی، رئیس پلیس فتا استان یزد در تشریح این خبر گفت: پزشکی به این پلیس مراجعه کرد و اعلام داشت که صفحه‌های جعلی در اینستاگرام با نام وی ایجاد شده و با انتشار یک سری مطالب موجب هتک حیثیت وی شده است که به دلیل حساسیت موضوع مراتب در دستور کار کارشناسان پلیس فتا قرار گرفت و متهم شناسایی و در یک عملیات غافلگیرانه دستگیر و با بررسی‌های بیشتر مشخص شد متهم یکی از بیماران دکتر بوده که به دلیل اختلافی که با وی داشته اقدام به ایجاد صفحات جعلی علیه وی کرده و قصد برهم زدن آرامش او را داشته است.

جاسازی ۵۰۰ کیلوگرم شیشه در کامیون



مأموران انتظامی ایست بازرسی میناب از یک کامیون ۵۰۰ کیلوگرم شیشه کشف کردند.

ابراهیم طاهری، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان میناب گفت: در ادامه روند مبارزه بی‌امان با سوداگران مرگ، مأموران انتظامی ایست بازرسی شهید چغاززری در محور مواصلاتی بندرعباس-میناب از انتقال محموله بزرگ مواد مخدر صنعتی به وسیله یک دستگاه کامیون متعلق به قاچاقچیان باخبر شدند و عملیاتی را برای توقیف محموله مورد نظر طراحی و اجرا کردند. با هماهنگی مقام قضایی، مأموران انتظامی کامیون مورد نظر را حین تردد شناسایی و پس از تعقیب و گریز ضمن توقیف آن در بازرسی به عمل آمده، ۵۰۰ کیلوگرم مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه را که به صورت کاملاً ماهرانه‌ای جاسازی شده بود کشف و ضبط کردند.

وی افزود: در جریان این عملیات یک نفر دستگیر که با صدور قرار تأمین کیفری بازداشت شده است.

سقوط مرگبار از طبقه هفتم

یکی از مهندسان شرکت گلپارس تبریز با سقوط از ارتفاع ۲۰ متری جان باخت.

دکتر اصغر جعفری، رئیس اورژانس پیش بیمارستانی و مدیریت حوادث دانشگاه علوم پزشکی تبریز با تأیید این خبر گفت: روز پنجشنبه گذشته پس از دریافت گزارش سقوط یک مرد ۴۶ ساله از طبقه هفتم ساختمان یکی از شرکت‌های صنعتی تبریز، نیروهای اورژانس آذربایجان شرقی در محل حاضر شده و طبق گفته شاهدین، این فرد از ارتفاع حدود ۲۰ متری به پایین سقوط کرده است.

وی ادامه داد: فرد مذکور از ناحیه سر و گردن آسیب شدیدی دیده بود و بر اثر این حادثه، فوت سر صحنه رخ داده که امکان احیا وجود نداشته و تحقیقات درباره علت آن آغاز شده است.

نجات خرس کمیاب از استخر



مأموران و کارشناسان حفاظت محیط زیست استان تهران یک خرس قهوه‌ای بالغ را از داخل استخر آب کشاورزی شهرستان میگون نجات دادند.

به گزارش یگان حفاظت محیط زیست شهرستان شمیرانات، شامگاه جمعه یک قلاوه خرس قهوه‌ای بالغ در استخر آب کشاورزی شهرستان میگون در رودبار قصران گرفتار شد. عوامل و کارشناسان حفاظت محیط زیست استان با امکانات فنی و تجهیزات لازم بلافاصله به محل اعزام شدند.

علیرضا مینانی، مدیرکل حفاظت محیط زیست استان تهران گفت: با تلاش مأموران و همکاری پرسنل آتش نشانی این شهرستان، خرس بدون جراحت و عمل بی‌هوشی نجات یافت. کارشناسان این اداره کل سلامت این حیوان را تحت نظر قرار داده و با نردبان فلزی وی را از استخر نجات داده و به زیستگاه طبیعی خود بازگرداندند. به احتمال زیاد دلیل حضور این حیوان در این منطقه با توجه به فصل زمستان، تغذیه و آماده شدن برای خواب است.

مرگ ۴ مرد و یک زن در حمله سگ‌ها

سازمان پزشکی قانونی کشور از مرگ ۴ مرد و یک زن بر اثر گازگرفتگی سگ‌ها از ابتدای سال در کشور خبر داد.

همچنین بر اساس آمار گردآوری شده، ۷۸۴ مصدوم ناشی از «گازگرفتگی سگ» در نیمه نخست امسال برای معاینه و تعیین خسارت به مراکز پزشکی قانونی مراجعه کرده‌اند که از این تعداد ۵۹۳ نفر مرد و ۱۹۱ نفر زن بوده‌اند. بیشترین مراجعه مصدومین گازگرفتگی سگ با ۱۰۲ نفر مربوط به استان خراسان رضوی و پس از آن با ۹۸ نفر مربوط به استان تهران و ۸۳ نفر مربوط به استان اصفهان بوده است.

جان باختن کارگر ۲ ماه پس از سوختگی



کارگری با سابقه اداره برق انزلی که حین کار دچار حادثه شده بود، پس از حدود ۲ ماه در بیمارستان جان باخت.

به گزارش خبرنگار ایلنا، یک منبع کارگری گفت: رضا صابریانی، کارگر ۴۵ ساله اداره برق انزلی روز ۲۵ مردادماه حین عملیات رفع نقص کابل‌های برق در محدوده خیابان پرستان انزلی دچار جراحات و سوختگی بالای ۸۰ درصد شد و او را به بیمارستانی در تهران انتقال دادند. وی که ۳۱ سال سابقه کار داشت، سرانجام به دلیل شدت سوختگی در بیمارستان جان باخت.

مرگ غم‌انگیز مادر و فرزند پس از درگیری ۲ ریفیق

گروه حوادث: مرضیه همایونی / زن باردار وقتی فهمید شوهرش باعث مرگ مغزی دوست خود شده ناگهان سکنه کرد و جان باخت این در حالی است که سه روز بعد از این حادثه مرد جوان مصدوم نیز جان باخت. به گزارش «ایران»، اواخر هفته گذشته، گزارش مرگ پسر ۲۹ ساله‌ای از سوی مأموران بیمارستانی در جنوب تهران به بازپرس محمدمهدی پراغه اعلام شد. به دنبال این گزارش به دستور بازپرس جنایی تحقیقات مربوطه آغاز و در بررسی‌های اولیه مشخص شد این پسر جوان ۱۰ خرداد امسال در حالی که از ناحیه سر آسیب دیده، برای درمان به بیمارستان منتقل شده بود. با گذشت حدود ۵ ماه از این ماجرا و با وجود تلاش کادر درمان برای نجات فرهاد، او تسلیم مرگ شد. در ادامه تحقیقات مشخص شد فرهاد در یک درگیری شبانه با یکی از دوستانش زخمی شده و عامل این درگیری به نام کبان نیز بلافاصله دستگیر شده است. به دستور بازپرس شعبه سوم دادسرای امور جنایی تهران، عامل این قتل به اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت منتقل شد. او در تحقیقات اولیه به جنایت ناخواسته اعتراف کرد. به دستور بازپرس جنایی، تحقیقات در این رابطه ادامه دارد.



گفت‌وگو با عامل جنایت

منجر به مرگش شود اما همان یک ضربه نه تنها رفیقم را بلکه همسر و بچه‌ام را هم از من گرفت.

همسر و فرزندت را دیگر چرا از دست دادی؟

بعد از درگیری پلیس مرا دستگیر کرد اما در مدتی که فرهاد در بیمارستان بود، خانواده‌ام به او سر می‌زدند. سه روز قبل از اینکه فرهاد فوت کند، همسرم به بیمارستان رفته بود تا حال فرهاد را جویا شود، آنجا به او می‌گویند که حالش وخیم است و دیگر کاری از دستشان بر نمی‌آید و مرگ مغزی شده است. همسرم با شنیدن این موضوع ناگهان جالش بد شد و سکنه کرد اما پزشکان نتوانستند نجاتش بدهند و همسرم در حالی که باردار بود فوت کرد و بچه‌ام نیز از دست رفت. من در بازداشتگاه خبر مرگ همسر و بچه‌ام را شنیدم و بعد هم خبر مرگ فرهاد را الان دیگر انگیزه‌ای برای زنده ماندن ندارم و کاش خودم هم بمیرم.

یک سبلی به صورت او زدم تا به خودش بیاید اما دعوایمان شد. بعد با وساطت دوستانم و بچه محل‌ها دعوا تمام شد و من به دنبال همسرم رفتم، ما پارسال ازدواج کرده بودیم و همسرم باردار بود آن شب خانه یکی از دوستانم مهمان بودیم. از خانه که بیرون آمدیم ناگهان فرهاد در حالی که ترک موتورسیکلت بود، به سمت ما آمد و از موتور پیاده شد. او دوتا شیشه نوشابه برداشت و کوبید به سرش و شیشه‌ها را شکست. با ضربه‌ای که به سرش زده بود، سرش شروع به خون‌ریزی کرد بعد با شیشه نوشابه‌های شکسته به سمتم آمد. به همسرم گفتم که فوراً به خانه برود و اصلاً بیرون نیاید.

علت این کارش چه بود؟

نمی‌دانم حالت عادی نداشت وقتی حمله کرد باید از خودم دفاع می‌کردم. جویی که در باغچه بود، برداشتم و فقط برای دفاع از خودم یک ضربه به سر فرهاد زدم. فکر نمی‌کردم ضربه‌ای که به او زدم

مرد جوان وقتی مقابل بازپرس پرونده نشست در حالی که صدام کربه و ابراز پشیمانی می‌کرد، گفت: من نه تنها دوستم را کشتیم بلکه باعث مرگ همسر فرزندم هم شده‌ام. ما اصلاً اختلافی باهم نداشتیم. هر جا می‌رفتم باهم و مثل برادر پشت و حامی هم بودیم، هرگز فکر نمی‌کردم آخر رفاقتمان به اینجا ختم شود و من خودم قاتل دوستم و رفیقم شوم. از خانواده‌اش شرمندهام درخواست دارم مرا حلال کنند. اگر الان بمیرم برایم بهتر از این زندگی نکبت‌بار است.

اگر اینقدر از مرگ رفیق ناراحتی چرا او را کشتی؟

نمی‌خواستم او را بکشم روز حادثه به همراه دوستانم در باغچه‌ای که در نزدیکی خانه‌مان بود، مشروب خوردیم. بعد متوجه شدم فرهاد حال خوبی ندارد به او گفتم بهتر است که دیگر مشروب نخوری. اما او به من گفت به تو ربطی ندارد و شروع به فحاشی کرد. من هم

کتک زدن خواهرزن

زوج جوان را به دادگاه کشاند



گروه حوادث: زن جوان که از بداخلاقی‌های شوهرش به تنگ آمده بود، فقط ۹ ماهه او را تحمل کرد و سپس درخواست طلاق داد. ساعت ۹ صبح گذشته بود که زوج جوان وارد یکی از شعبه‌های دادگاه خانواده شدند. چشمان زن جوان پر از اشک بود و شوهرش هم زسر لب غرمی زد. وقتی روی صندلی نشستند، لیلا گفت: آقای قاضی من از دست بی‌ادبی‌ها و بداخلاقی‌ها و کتک‌های این مرد خسته شده‌ام؛ نه تنها با من بدرفتاری می‌کند بلکه کار را به جایی رسانده که روی خانواده‌ام هم دست بلند می‌کند.

بعد ادامه داد: یک بار که باهم سر موضوعی بحث می‌کردیم، خواهرم برای میانجیگری پا پیش گذاشت و داشت هر دو نفرمان را نصیحت می‌کرد که آرام باشیم اما ناگهان جلال با عصیانیت شروع به ضرب و شتم خواهرم کرد که من از دیدن این صحنه شوکه شدم و از همان روز تصمیم به طلاق گرفتم.

در همین موقع شوهرش گفت: حاج آقا اصلاً این حرف‌ها واقعیت ندارد. این زن می‌خواهد مرا مقصر نشان دهد. لیلا هم بلافاصله در جوابش گفت: تو خواهر مرا کتک زدی؟ حداقل وجدان داشته باش، صادق باش و راستش را بگو.

مرد جوان گفت: من قصد نداشتم خواهرت را بزنم، آن یک اتفاق بود. من با تو بحث می‌کردم که خواهرت جلو آمد. منم ناخواسته دستم به صورتش خورد. آن لحظه عصیان شده بودم و کنترلی بر رفتارم نداشتم. ضمن اینکه مادر و خواهرت مدام در زندگی ما دخالت می‌کنند و می‌خواهند ما را از هم جدا کنند.

لیلا دوباره از جا برخاست و گفت: آقای قاضی، کیبوی دست مرا ببینید. این معنی

شوهر خودش مقایسه و همسر مرا تحریک می‌کند که با من دعوا کند. باجناب من یک زن ذلیل به تمام معناست اما من اهل این حرف‌ها نیستم. چشم گفتن و تعظیم کردن مقابل زن و خانواده زن را بلد نیستم. لیلا هم در جواب گفت: کاش مثل شوهرخواهرم بودی. اگر پول نداشتی، در عوض ادب و اخلاق و شعور دارم، مهربان هستی، به زن و بچه‌های احترام می‌گذاری؛ نه مثل تو که فقط بلدی قلدری کنی. قاضی که عمق فاجعه زندگی مشترک این زوج جوان را متوجه شده بود، گفت: بهتر است دو ماه به کلاس‌های مشاوره بروید. اگر مشکلاتتان حل نشد و رفتارهای این آقا تغییر نکرد، آن وقت حکم طلاق را صادر می‌کنم اما دخترم، شما هم سعی کن اینقدر همسرت را با دیگران مقایسه نکنی.

عشق است؟ این آدم بدخلاق و بددهن است و مدام در حال فریاد زدن و ناسزاکوپی است. همه همسایه‌ها هم از دستش در عذاب هستند. من خیلی به او فرصت جبران دادم اما فایده‌ای ندارد. نمی‌تواند از بداخلاقی و بددهنی و کتک‌زدن دست بردارد. قاضی که این حرف‌ها را شنید، رو به جلال کرد و گفت: پسرم چرا بداخلاقی می‌کنی با همسرت؟ آیا علت خاصی دارد؟ آیا همسرت کاری می‌کند که تو این رفتار را داری؟ جلال گفت: نه آقای قاضی، همسرم خوب است. من قبول دارم کمی عصبی هستم اما زخم را دوست دارم. کلی طلا برایش خریدم، هر چه بخواهد برایش می‌خرم، البته همین موضوع هم او را کمی پرتوقع کرده است. از طرفی خواهرش هم به او و زندگی ما حسادت می‌کند و مدام من را با

امیرحسین صدوری کارشناس حقوقی

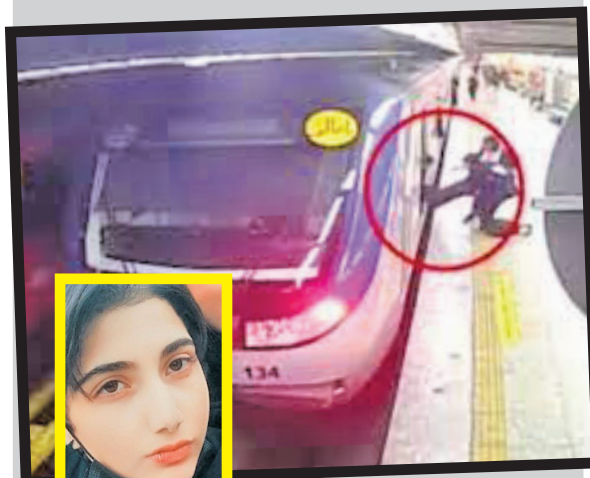
متأسفانه نبود آشنایی صحیح، درک متقابل، مقایسه کردن زندگی مشترک خود با دیگران، بی‌مسئولیتی، کنترل نداشتن روی رفتار و... از عوامل اصلی ایجاد تنش بین این زوج جوان است که آنها را به این مرحله رسانده است. در این پرونده مشاهده می‌کنید که شوهر، رفتار کنترل شده‌ای ندارد و با کوچک‌ترین مشکلی بین او و همسرش تنش ایجاد می‌شود. احترام بین این زوج، حلقه گمشده است و رعایت نشدن ادب و احترام بین آنها و حتی خانواده‌هایشان مسأله را بغرنج‌تر کرده است.

بی‌شک این رفتار در دوران آشنایی و عقد نیز دیده شده است، منتها زوجین به دلیل اینکه در آن دوران علاقه و هیجانات عاطفی بر عقل و منطق غلبه دارد، توجهی به آن نکرده‌اند یا شاید فکر می‌کرده‌اند بعد از ازدواج اوضاع بهتر خواهد شد؛ در صورتی که دوران آشنایی و نامزدی برای شناخت بیشتر از یکدیگر است و باید کوچک‌ترین موضوعی که برای طرفین ناخوشایند جلوه می‌کند، بررسی و درمان شود، وگرنه بعد از ازدواج به مشکلی بزرگ‌تر تبدیل خواهد شد.



نگاه کارشناس

آرمیتا گراوند پس از ۲۸ روز کما جان باخت



گروه حوادث:

«آرمیتا گراوند» دختر دانش‌آموزی که در مترو دچار حادثه شده بود پس از ۲۸ روز بستری در بیمارستان فوت کرد.

به گزارش ایسنا، ساعت ۷ صبح روز نهم مهر امسال خبر بیهوش شدن دختر دانش‌آموز ۱۷ ساله‌ای به نام آرمیتا در ایستگاه مترو شهید باهنر اورژانس اعلام شد. به گفته دوستان آرمیتا آنها برای رفتن به مدرسه قصد داشتند سوار قطار مترو شوند که ناگهان آرمیتا از هوش رفت و از پشت روی زمین افتاد و بر اثر برخورد سرش با لبه سکو دچار ایست قلبی و ضربه مغزی شد. وقتی امدادگران اورژانس بالای سر وی رسیدند عملیات احیای قلبی نتیجه داد و او را به بیمارستان منتقل کردند اما دختر نوجوان هرگز به هوش نیامد و سرانجام صبح شنبه ۶ آبان پس از ۲۸ روز بستری در بخش مراقب‌های ویژه درگذشت.

بر اساس نظریه رسمی پزشکان، آرمیتا گراوند پس از افت ناگهانی فشار خون، دچار سقوط، ضربه مغزی و به دنبال آن تشنج مداوم، کاهش اکسیژن رسانی مغزی و ادم مغزی شده است.

این در حالی است که پس از این حادثه رسانه‌های معاند مدعی شدند آرمیتا به دلیل نداشتن حجاب با حجاب‌بانان داخل مترو درگیر و از سوی آنها هل داده شده و به زمین خورده بود. در حالی که انتشار تصاویر دوربین‌های داخل ایستگاه مترو و روایت شاهدانی که در لحظه حادثه در محل حضور داشتند این ادعا را تأیید نکرد. هرچند مسئولان مترو اظهار داشتند داخل واگن قطار مورد نظر دوربین نداشته است و نمی‌توان لحظه حادثه را به طور کامل از داخل واگن بررسی کرد. سپس پدر و مادر آرمیتا نیز که تصاویر موجود را مشاهده کرده بودند اظهار داشتند شکایتی از کسی ندارند و مدرک و مستندی مبنی بر اینکه فردی با دخترشان درگیر شده باشد به دستشان نرسیده است.

آرمیتا اصالتاً اهل لرستان بود و گفته شده در ورزش رزمی تکواندو نیز به شاکر حرفه‌ای فعالیت داشته است.